



بیانات معظم له در جمع مردم مشهد و زائران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) - 4 / فروردین / 1375

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام علي سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و علي آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين. الهداة المهديين المعصومين. سيما بقية الله في الارضين.

شروع سال جديد در زير سايه نوراني مرقد مطهر حضرت ثامن الائمه عليه آلاف التحية والثناء، توفيقى براى همه ماست. چه مردم عزيز مشهد كه در طول سال هم از اين نعمت بزرگ برخوردارند و چه زوار مشتاق و علاقه مندى كه از شهرها و مناطق ديگر عاشقانه تشريف آورده اند. حضور در اين مرقد مطهر و زير سايه اين پاىگاه نوراني، معنوي و الهى، فرصتى است كه همه ما بتوانيم به وظايفى كه به طور معمول، مخصوص شروع سال است، توجه كنيم. وظايفى كه مربوط به مقاطع است و از جمله مقاطع براى همه ملتها و كشورها، مقطع سال است كه شمارش تاريخ، زندگى و عمر خود را با حساب آن مقطع انجام مى دهند.

اين نکته را همين جا بگويم كه ما مردم ايران، تنها ملتى هستيم كه هم مبدأ تاريخ قمرى و هم مبدأ تاريخ شمسى را براساس هجرت نبى مكرم اسلام قرار داده و محاسبه مى كنيم. آغاز سال قمرى، اول ماه محرم است كه بقيه ملتهاي مسلمان هم در محاسبه ماههاي قمرى، با ما شريكند؛ ولي براى حسابهايى كه لازم است سر راست و مضبوط باشد، بقيه ملتهاي مسلمان، از سال ميلادى مسيحي استفاده مى كنند و تنها ملت ماست كه از سال شمسى استفاده مى كند كه آغاز آن نيز هجرت پيغمبر است. يعنى در واقع عيد نوروز كه اول سال شمسى است، يك سال ديگر بر هجرت پيغمبر و هجرت بزرگ اسلامى و پيدايش حكومت اسلامى اضافه مى شود. سال شمسى ما هم هجرى شمسى است و اين افتخار ملت ايران است. البته اين مسأله از سابق هم بوده است و مربوط به سالهاي اخير نيست؛ كه اين خود علاقه مندى اين ملت بزرگ را به مسائل اسلامى، حتى در امر تاريخ نشان مى دهد. يكي از وظايف اول سال اين است كه هر كسى به حالات و حساب خود - هم حساب شخصى، هم حساب عمومي، هم شخص، هم جماعت مثل يك ملت - رسيدگى كند. اين بهانه خوبى است كه انسان به پشت سر خود برگردد و غفلتهايى را كه انجام داده است، كوتاهيها و كارهاي ناشايستى كه از او سر زده است و همچنين كارهاي خوب خود را يك بار ديگر مشاهده كند. يعنى، برادران و خواهران عزيز من! همه ما بايد عادت كنيم كه هر سالى كه نو مى شود، به مناسب اول سال، به گذشته يك ساله خود يك نگاهى بكنيم. هر يك از نقاط مثبت و منفي، به ما پيامى مى دهند.

من در آغاز سال نو، در پيامى به ملت عزيز ايران و ديگران، مطالبى را عرض کرده ام. در آن پيام رؤوس آنچه را كه راجع به سال گذشته به نظر مى رسیده است، به اجمال گفته ام. آنچه را هم كه من توقع دارم ملت عزيزمان به آن توجه كند، فى الجملة و به اختصار بيان کرده ام. امروز نيز چند مطلب را پيرامون مسائل اساسى كه در سال گذشته و در اين ايام و در سالى كه شروع شده است و براى ملت ما حائز اهميت است، عرض مى كنم:

مطلب اول مربوط به شما مشهديهائى عزيز و مؤمن است كه لازم است بگويم تا همه بدانند. ما براى انتخاباتى كه گذشت، از همه ملت ايران تشكر كرديم؛ چون اقبال به انتخابات خيلى خوب بود. اما بايد از مردم مشهد يك تشكر ديگر هم به طور ويژه بكنيم، چون رشد شركت در انتخابات در مشهد، نسبت به دوره قبل آن - بر اساس گزارشى كه به من داده اند - در حدود پنجاه درصد است. خيلى رقم بالايى است كه خبر از چيزهاي خوبى مى دهد و تحليلگران را به مذاقه مى طلبد. البته نمونه هاي برجسته اى از اين قبيل، در همه جا هست و در مورد مشهد، اين برجستگى ويژه وجود داشت كه اشاره شد.

اگر كسى با گزارشهايى كه به قدر ما آشنا باشد، خواهد ديد همان طور كه در آن پيام عرض شد، سال گذشته سال پر كار و پر بارى بوده است. حقيقتاً در سرتاسر كشور در طول سال 1374، هزاران شعله كار بزرگ و باارزش - در زمينه



های علمی، اخلاقی و معنوی در زمینه آباد کردن و ساختن کشور، احیای ارزشهای انقلاب، رفع ویرانیهای بازمانده از دوران جنگ یا رژیم ستمشاهی - انجام شده است، یا در حال انجام بوده است که امسال یا سالهای بعد به پایان خواهد رسید. حقیقتاً حرکت عظیمی در کشور - در زمینه کار، تلاش، پیشرفت، افزایش ثروت عمومی کشور و آبادانیهای گوناگون - آغاز شده است.

حقیقتاً اگر کسی بخواهد این کشور را با کشورهای آباد دیگر مقایسه کند، خواهد دید که جمهوری اسلامی از این جهت برای ملت بزرگ ایران، یک دوره پرافتخاری را به ارمغان آورده است. جهات معنوی، مسائل سیاسی و استقلال و آزادی در جای خود محفوظ؛ از جهت سازندگی کشور، آنچه که برای این ملت انجام شده و در حال انجام است، مایه افتخار است.

بعضی کسان در دنیا درس می گیرند و از الگوی ایرانی پیروی می کنند. بعضی کسان ملت ایران را تحسین می کنند و بعضی کسان به ملت ایران حسد می ورزند و دشمنی می کنند. البته بعضی کسان هم از حقایق ایران خبری ندارند؛ تقصیری هم ندارند. تا وقتی که قلم در دست دشمن باشد و هر چه به قلمشان می آید علیه ملت ایران بنویسند و هر چه به دهانشان می آید بگویند، نمی شود گله کرد فلان انسان که اهل کشور عربی، آفریقایی یا اروپایی است، چرا از وضع ایران خبر ندارد؟ البته ما به قدر توسعه تبلیغات خودمان و رسانه ها تبلیغ می کنیم؛ اما شمول تبلیغات دشمن بیشتر است و دهها رادیو، صدها روزنامه و مطبوعات علیه جمهوری اسلامی می نویسند.

خوب؛ بنویسند، اهمیتی ندارد. آنچه اهمیت دارد، اراده و توکل این ملت و تدبیر مسؤولان کشور است؛ همان کسانی که باید برای این ملت برنامه ریزی کنند، نقشه بکشند و ثروت ملت را حفظ نمایند. اینها مهم است. وقتی که این کارها انجام شد، دشمن هر چه می خواهد بگوید، بنویسد، فحاشی کند. اینها مانع پیشرفت ما نمی شود. بر خلاف بعضی افراد که به مجرد این که از گوشه دنیا، یک روزنامه، یک مقاله، یک نویسنده یا سیاستمداری علیه جمهوری اسلامی حرفی می زند، دستپاچه، ناراحت، متوحش و عصبانی می شوند، من می گویم هر چه که می خواهند بگویند، بگویند. وقتی که یک ملت، خودش و راهش را می شناسد، تصمیمش را گرفته است و اراده قوی دارد، دشمنان هر چه می خواهند بگویند. حتی وقتی معلوم است آنچه که دشمن می گوید و می کند، از روی دشمنی است، اراده این ملت را قویتر، پایش را استوارتر، توکلش را به خدا بیشتر، امیدش را درخشانتر و آینده اش را به فضل پروردگار بهتر از امروز خواهد کرد.

این، ملت است با این اراده و این ایمان و این تصمیم. آن هم بحمدالله دولت است که با خدمتگزاری و با دلسوزی خود، کارها را با جدیت دنبال می کند. تولید می کند، تجارت می کند. می سازد، صادر و وارد می کند. بحمدالله در همه زمینه ها - فرهنگ، اقتصاد و ... - مشغول کارند.

البته من یک نگرانی مختصری دارم - که مربوط به امروز هم نیست؛ سالهاست که این نگرانی را دارم - و آن این است که باید اقتصاد و ملت ایران از نفت جدا شود. این مسأله را اخیراً به دولت خدمتگزار ابلاغ کرده ایم که برایش برنامه ریزی کند و در حال برنامه ریزی است و کارهایی هم انجام داده است. ما باید کاری کنیم که ملت و دولت ایران، وابسته به نفت خود نباشند. چون متأسفانه، امروز در دنیا نفت به سیاستهای بین المللی، کمپانیها و غارتگران بزرگ و جهانخواران و مستکبران وابسته است. در حقیقت، نفت در مشت آنهاست. هر گاه بخواهند، قیمتش را پایین می آورند، تولید را کم یا زیاد دور می کنند، یکی را از دور خارج یا وارد دور می کنند! نفت مال ماست؛ اما سیاستش در دست دیگران است! چنین سرمایه ای مایه دردسر است.

البته دولت ما امروز حداکثر استفاده را از نفت می کند و باید هم بکند. اما باید کاری کند که بتواند روزی به دنیا اعلام نماید که از امروز تا شش ماه دیگر، تا یک سال یا چهل روز دیگر، می خواهیم در چاههای نفت را ببندیم. می خواهیم یک قطره نفت صادر نکنیم. دولت باید بتواند تصمیم بگیرد. باید به نفت احتیاج نداشته باشد.



ما ثروت، منابع طبیعی و تولیدات داخلی زیاد داریم. امکانات تولید ثروت در داخل کشور، خیلی زیاد است. روزی به خاطر جنگ، این کارها عملی نبود، ولی بحمدالله امروز عملی است. باید هم انجام گیرد و انجام دهند. دولت هم این کار را می‌کند، باید هم بکنند. ما هم اخیراً اعلام و ابلاغ کرده ایم که این کار شروع شود و مقدمات کار، در حال انجام است. ممکن است این طرح در مدت یک سال، دو سال، سه سال یا پنج سال نتیجه بدهد. اگر به فضل پروردگار، چنین شود، بسیاری از مشکلات این کشور کاهش پیدا خواهد کرد. البته به شرط این که همه ملت؛ همه کسانی که بازوی توانا، فکر و قلم فعال، زبان گویا و دل بیدار دارند، پشت در پشت، با همین وحدتی که امروز در میان این ملت است، تلاش کنند و نگذارند مردم تقسیم شوند.

برای این ملت، وحدت، از همه چیز واجبتر است. اتحاد و اتفاق، این ملت را در بحرانهای سخت نجات داده است. بحمدالله امروز ما بحرانی هم نداریم. مشکل بزرگ و فوق العاده ای نداریم. اما به اتحاد هم، کمال نیاز و احتیاج را داریم. همه باید در حرفها و تبلیغات انتخاباتشان، قبل و بعد از آن، در مجلس و در جاهای دیگر، حرفی نزنند که مردم، مابین خودشان احساس دوگانگی کنند و بین مردم اختلاف به وجود آید. خدای ناخواسته، اگر اختلافی به وجود آید، این ملت شل خواهد شد. علت این که ما توانسته ایم تا به حال محکم بایستیم، همین اتحاد و اتفاق شماس است. هر چه بیشتر و محکمتر باشد، ما نیز در مقابل دشمنان شما می‌توانیم محکمتر بایستیم. و اما در مورد دشمنان و مسائل خارجی، مطلبی را برای شما مردم عزیز، به طور کوتاه بیان می‌کنم. در زمینه مسائل جهانی، جمهوری اسلامی به همکاری بین المللی معتقد است. ما معتقدیم در دنیا هم اگر میان انسانهای خیرخواه وحدتی وجود داشته باشد، کار دنیا اصلاح خواهد شد. منتها این کار در دنیا، خیلی مشکل است. لذا ما در عرصه بین الملل دو نوع کار داریم. یک کار اصلی، که عبارت است از همکاریهای بین المللی - همکاری با ملتها، با دولتها و تلاشهای مشترک - و یک کار اضطراری، که همان مبارزه است.

بله؛ ما در صحنه بین المللی مجبوریم با دشمنان این ملت مبارزه کنیم. ای کاش این ملت هیچ دشمنی نداشت و ما هم مجبور نبودیم با او مبارزه کنیم؛ اما این ملت، دشمنان لجوج، عنود، خبیث، رذل، فریبگر، دروغگو و خطرناکی دارد. باید با آنها مبارزه کرد. در زمینه مبارزه بین المللی نیز، ما دو گونه دشمن داریم. یکی دشمنان اصلی، که مبارزه ما با آنهاست و دیگری دشمنان غیر اصلی. ما با آنها مبارزه نمی‌کنیم، بلکه سعی می‌کنیم با آنها تفاهم نماییم؛ آنها را از اشتباه خارج و از دشمنی منصرف کنیم. این مربوط به دشمنان درجه دو است. حتی در مواردی نمی‌شود به آنها دشمن گفت. عمده، دشمنان اصلی هستند.

دشمن اصلی برای جمهوری اسلامی کیست؟ امروز دشمن اصلی ما در دنیا، صهیونیست و استکبار است. اصل قضیه در دشمنی با اسلام و نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، صهیونیست و استکبار است.

اگر بخواهیم استکبار را درست ترجمه کنیم، امروز با دولت متجاوز و مستکبر و یاغی و گردنکش آمریکا تطبیق می‌کند. امروز عمده مستکبرین عالم آنها هستند. داستان استکبار برای همه ملتها، داستان تلخی است. استکبار، یعنی در دنیا قدرتی هست که به منافع ملتها و به خواست انسانها، توجهی نمی‌کند. به مفاهیم ارزشی انسانی هیچ اعتنایی نمی‌کند. برای او فقط یک چیز اهمیت دارد و آن خود اوست؛ آن هم با روحیه تکبر، افزون خواهی و زورگویی! آن هم با زبان زور، با خشونت، با شدت، با بی رحمی و سفاکی! امروز آمریکا چنین وضعی دارد. البته پلیدتر از آمریکا، دولت صهیونیست، در فلسطین اشغالی است. چرا؟ چون بالاخره دولت آمریکا، یک دولت و متکی به یک ملت است. در صورتی که اساساً دولت غاصب صهیونیستی، متکی بر یک ملت نیست! ملت ساکن آن مناطق، ملتی است که امروز آواره است! اسرائیل، از اوّل با ظلم و آدمکشی، با دروغ و فریب به وجود آمده است. در آن روز یک عده افراد زورگو و متجاوز، با پشتیبانی دولت انگلیس به منطقه فلسطین آمدند. اهالی آن منطقه را بیرون کردند و فرزندان و بازماندگان آنها - بیش از یک میلیون نفر - هنوز هم در زیر چادرها و در شرایط اردوگاهی زندگی



می‌کنند! زیر چادر، یا چیزی شبیه چادر، در کوچه‌ها زندگی می‌کنند! مردم فلسطین، در خارج از فلسطین، با حال کوخ نشینی و اردوگاه نشینی زندگی می‌کنند. خانه‌های آنها و وطن آنها در اختیار کسانی است که از اروپا، از استرالیا، از آمریکا، از آسیا و از آفریقا به آن جا رفته‌اند و یک ملت جعلی و دروغین به وجود آورده‌اند و در آن جا به نام یک ملت، زندگی می‌کنند و دولتی هم دارند! اساساً چنین ملتی، وجود و هویتی ندارد.

گناه جمهوری اسلامی این است که این حرف را می‌زند! جمهوری اسلامی بر خلاف دولتهای دیگر که از ترس یا با تطمیع آمریکا همین حرف حق را کتمان کرده و پوشیده داشتند، این حرف را به صراحت می‌زند و می‌گوید حق، حق است و باطل، باطل است. ما نمی‌توانیم انکار کنیم که ملت فلسطین وجود داشته، ولی امروز آواره است. نمی‌توانیم انکار کنیم که سرزمین فلسطین، از مردم فلسطین غصب شده است؛ آن هم نه با یک روش ظاهراً با نزاکت، بلکه با کشتار و آدمکشی و فریب و دروغ و اعمال زور و سقاکي و قتل عام. دولت اسرائیل با قتل عام و غدر و فریب و سقاکي و لگدزدن به ارزشهای انسانی به وجود آمد. حقوق یک ملت در مقابل پای مهاجرین صهیونیست که وارد فلسطین اشغالی شدند، قربانی شد. در طول قریب پنجاه سالی که از عمر این دولت جعلی می‌گذرد، دائماً سرکوب و قتل نفس و دروغ و فریب و تجاوز و حمله به انسانها و بیگناهان، مایه حیات و تداوم زندگی آن بوده است. اسرائیل این است؛ آن وقت رئیس جمهور آمریکا - که واقعا انسان تعجب می‌کند - خجالت نمی‌کشد و روز روشن در مقابل افکار عمومی دنیا می‌ایستد و با صدای بلند می‌گوید که ما می‌خواهیم برای جلوگیری از تروریسم، با اسرائیل همکاری کنیم! واقعا انسان تعجب می‌کند که اسم این موضعگیری چیست؟ این، اسمش غفلت و بی‌انصافی و استکبار و زورگویی است. معنای این حرف چیست؟ الان هم خطرناکترین و پلیدترین تروریستهای عالم، همین کسانی هستند که در رأس قدرت کشور فلسطین اشغال شده مظلوم قرار دارند. شما می‌خواهید در مقابل تروریسم و تروریستها با اینها همکاری کنید؟! کدام تروریستها؟ آن کسانی که از وطن خود آواره شده‌اند و بعد از سالهای متمادی، در اثر فشارها به جان آمده‌اند و دستي از آستین در می‌آورند و مشتت گره می‌کنند و فریاد می‌کشند تروریستند!؟

ما این حقایق را می‌گوییم. ما این حقایق را مکتوم نگه نمی‌داریم. ما گناه دانسته ایم که این روشنترین حقایق را در این دنیا کتمان کنیم؛ برای این که آمریکا خوشش بیاید. اشخاص بسیاری در سطح دنیا - کسانی که با ما در ارتباط تجاری یا سیاسی هستند - محرمانه به ماموران و کسان ما می‌گویند: علت دشمنی آمریکا با شما، عبارت از همین مسأله خاورمیانه و قضیه اسرائیل است. می‌گویند چرا شما مخالفت می‌کنید؟ صریحاً می‌گویند که این قضیه حقوق بشر و محاکمات آن چنانی و حقوق زن و از این حرفهایی که علیه جمهوری اسلامی، در رسانه‌های امریکایی و صهیونیستی گفته می‌شود، همه اش حرف است. ما خودمان می‌دانستیم که این حرف است؛ اما حالا آنها هم این را اقرار می‌کنند.

من همیشه به کسانی که احساس ضعف می‌کردند، می‌گفتم: چرا شما فریب تبلیغات را بخورید؟ چرا باید خیال کنید که وقتی آمریکا از حقوق بشر می‌گوید، واقعاً نگران ضایع شدن حقوق بشر در ایران است؟ آنها برای بشر دل نمی‌سوزانند. آنها خودشان بزرگترین نقض کنندگان حقوق بشرند. آنها کسانی هستند که در روز روشن، هشتاد نفر آدم را در یکی از شهرهای آمریکا، زنده زنده، در یک خانه سوزانند و خم به ابروشان نیامد. آنها به بشر و حقوق بشر چه کار دارند؟ حقوق بشر را چه می‌شناسند؟

مسأله آنها در جای دیگر است. دردشان از جای دیگر است. آنها می‌گویند شما چرا با اسرائیل کنار نمی‌آیید و مثل دیگران، حکم قتل ملت فلسطین را امضاء نمی‌کنید؟! حرفشان این است. من همیشه این موضوع را به همه می‌گفتم. حالا خود آنها اعتراف می‌کنند و به ما می‌گویند که فشارهای آمریکا و محاصره اقتصادی و تبلیغات خصمانه و رذالت آمیز عناصری از دستگاه قانونگذاری و اجرایی آمریکا علیه جمهوری اسلامی، همه و همه به قضیه اسرائیل



مربوط است. می گویند شما چرا صلح خاورمیانه را قبول ندارید؟ چرا می گویند این صلح نیست و سازش گرگ و میش است؟ چرا نمی آید این سازش را امضاء کنید؟ آنها حکم قتل فلسطینیها را از ما می خواهند! قضیه این است.

پس، امروز در رأس دشمنان خارجی این ملت - که مبارزه اصلی سیاسی خارجی ما در دنیا با اوست - رژیم فاسدِ غاصبِ خبیثِ صهیونیستِ حاکم بر فلسطین اشغالی و پشت سر او، رژیم ایالات متحده امریکا است. ایالات متحده امریکا با آن عرض و طول و با آن پیشرفتهای علمی و یک کشور و ملت بزرگ، بازیچه دست صهیونیستها شده است؛ مثل غولی که افسارش دست یک سگ است و هر جا می خواهد، او را می برد! امروز، دولت امریکا با آن حجم ثروت و سابقه و اهمیتی که از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی برای خودش در دنیا قائل شده است، بازیچه دست صهیونیستها و دولت اسراییل شده است. وقتی رئیس جمهور امریکا، علیه جمهوری اسلامی، تصمیمی اتخاذ می کند، به مجمع صهیونیستهای امریکا می رود و در آن جا گزارشش را می دهد و در دنیا پخش می شود. این، برای ملت امریکا ننگ است.

اینها دشمنان اصلی ما هستند. البته در گوشه و کنار دنیا، باز هم علیه ما دشمنی و خباثت می شود، اما اینها آن اهمیت چندانی ندارد و مسأله اصلی نیست. همین قضایای اخیر دستگاه قضایی آلمان که یک حرکت بسیار زشت و نفرت انگیزی را به خاطر صهیونیستها انجام دادند، از این نوع است. البته دولت آلمان خودش را کنار می کشد و می گوید به دستگاه قضایی کشورش مربوط است. هم ما می دانیم و هم آنها می دانند که این طور نیست که دولت آلمان، تسلطی بر دستگاه قضایی کشورش نداشته باشد. جاهایی را خود ما مطلعیم که اعمال نفوذ کرده اند. در حقیقت فشار صهیونیستها به دولت آلمان و دستگاه قضایی آن کشور است. اما اهمیتی ندارد. اینها کارهایی است که باید دولت ما و وزارت امور خارجه خود ما حلّ و فصل کنند که بحمدالله به خوبی مشغول خدمتند و کار می کنند و حلّ و فصل هم خواهند کرد. اینها چیزی نیست که به عنوان یک مسأله برای ملت محسوب شود. آنچه که برای ملت مهم است، همان نکته ای است که اشاره کردم؛ یعنی مسأله امریکا و اسراییل. اساس مسأله این است. ملت عزیز ایران! حرفی که من به عنوان جمعبندي هفده سال انقلاب پیروزمند سربلند نظام جمهوری اسلامی و به عنوان جمعبندي نظرات امام راحمان و نظرات این مردم، می توانم مطرح کنم، یک کلمه است و آن این است که هر دولت و جمعیت و ملت و شخصی در دنیا خیال کند که می تواند با زور و تهدید، ملت ایران را تحت تاثیر قرار دهد، سخت در اشتباه است. این ملت، با هشت سال مقاومت جوانمردانه خود در جنگ تحمیلی؛ با هفده سال ایستادگی در مقابل تهدیدها و خباثتهای استکبار و دشمنان، حداقل این مسأله را به همه دنیا ثابت کرده است که ملتی نیست که با زور و تهدید بشود او را به راهی کشاند، یا از راهی برگرداند. این مادران را ببینید! این شیرزنانی که فرزندان خود را در راه خدا، به جبهه های جنگ فرستادند - مثل کسی که به حمله عروسی می فرستد - و خم به ابرو نیاوردند. ببینید این ملت مبارز را! ببینید ملت ایران، در طول این هفده سال، از چه پیچهای خطرناکی گذشته است! در اوّل انقلاب، تهدیدهای گوناگون دشمنان داخلی، لیبرالها، مخالفین با امام و ولایت، مخالفین با اسم اسلام برای این جمهوری و مخالفین با اسم اسلام برای مجلس شورای اسلامی را دیدید؟! در دروه اوّل، امام بزرگوار ما، در نامه ای که به مجلس شورای اسلامی نوشتند، کلمه اسلام را در مجلس آوردند که بسیار کار زیرکانه ای بود. امام رحمةالله علیه هم هوشمند و زیرک بود، و هم با تجربه. امام تجربه داشت و می دانست که اگر اسم اسلام، با نام مجلس شورا در اوّل مشروطیت هم، همراه می شد - مشروطیتی که با خون ملت و با نام اسلام و با رهبری علمای دین به وجود آمده بود - شصت سال از اسلام دور نمی افتاد! امام این موضوع را می دانست. در نامه نوشت «مجلس شورای اسلامی». لذا نمایندگان مجلس گفتند باید این موضوع، قانونی و رسمی شود. بایستی اسم مجلس شورای اسلامی به صورت قانون در آید. در همان مجلس که نمایندگانش به وسیله همین مردم مؤمن و انقلابی انتخاب شده بودند،



کسانی بودند که می گفتند اسم اسلامی چیست؟!

عجیب بود. ما باورمان نمی آمد که ممکن است بعد از پیروزی انقلاب - در حالی که هنوز یک سال و نیم یا دو سال از پیروزی انقلاب نگذشته است - کسانی پیدا شوند که با اسم اسلام بر روی مجلس شورا، مخالفت کنند! اما کردند! این که ما مرتب می گوییم مواظب باشید که چه کسی را به مجلس شورای اسلامی می فرستید، به خاطر این است که کسانی را بفرستید که فدایی اسلام باشند. بدانند که فقط اسلام درد این کشور و ملت را درمان خواهد کرد و بس. کسانی را بفرستید که تجربه داشته باشند و گول نخورند. با نام لیبرالی و تحت عنوان آزادی نخواهند پایه تفکر اسلامی را در این کشور بلرزانند و سست کنند. باید این نوع افراد به مجلس شورای اسلامی بروند. اینها می توانند در مقابل دشمنان سینه سپر کنند و از شما دفاع نمایند.

ملت ایران، به خاطر این که در طول هفده سال، این همه رنجهای گوناگون را دیده است، محکم ایستاده و تکان نخورده و راه خدا و اسلام را پیش رفته است. امروز هم به فضل پروردگار، از روز پیروزی انقلاب، نه که هفده سال، بلکه دهها سال جلو هستیم. ما در طول این هفده سال، راهی طولانی را طی کرده ایم. روزی که این ملت، به وسیله انقلاب شکوهمند شما مردم از چنگ مزدوران بیگانه - یعنی از چنگ خاندان پهلوی و نظامیها و مزدورانشان - خارج شد، در واقع یک ظاهر بی باطن و یک قالب و هیكل پوچ بود. ثروتهایش را نابود کرده بودند. زراعت آن را از بین برده بودند. صنعتش را صددرصد وابسته به وجود آورده بودند. کار سازنده را به میزان نزدیک به صفر رسانده بودند. معنویات و اخلاق را هم به کثی ضایع کرده بودند. آنچه که می بینید، در طول این هفده سال به همت شما مردم و و با قدرت مسؤولان دلسوز و با وجود همه موانع و مشکلات به وجود آمده است و امروز دشمنان خارجی می بینند و حسد می برند و ناراحت می شوند. چاره ای هم ندارند!

علی رغم میل دشمنان خارجی و علی رغم میل امریکا و اسرائیل و آنهایی که نمی توانند پیشرفت این ملت را ببینند و می خواهند ایران منزوی باشد، ما - به فضل پروردگار - ارتباطمان را در سطح جهان گسترش خواهیم داد. اگر کسانی هم تحت تأثیر امریکا قرار گیرند و بخواهند با جمهوری اسلامی دشمنی کنند، ما باکی نداریم.

این ملت، بحمدالله می تواند روی پای خود بایستد. در طول این هفده سال، بارها از طرف دولتهایی تهدید به قطع رابطه شده است. در قضایای مختلفی، کشورهای اروپایی سفرای خود را دستجمعی از ایران خارج کردند، به خیالی که حالا زمین به زمان خواهد خورد و آسمان به زمین خواهد آمد و همه چیز به هم خواهد ریخت! اما دیدند که آب از آب تکان نخورد. لابد دولتهای اروپایی این واقعه را یادشان است. امیدواریم که یادشان باشد و اشتباه نکنند. یک روز، همه سفرای اروپایی از تهران خارج شدند و وانمود کردند که ما با شما قهریم! جمهوری اسلامی گفت: بروید به سلامت! بعد از مدتی که گذشت، دیدند که جمهوری اسلامی، هیچ احتیاجی به آنها ابراز نمی کند و هیچ نیازی به آنها ندارد. بحمدالله، آنها بنا بر احتیاج خودشان، شروع به برگشتن کردند!

همیشه همین طور است. مهم این است که این ملت، قدر خود را بداند. مهم این است که مسؤولان این کشور، قدر این ملت را بدانند و می دانند. هر کسی در هر بخشی فعالیت می کند، باید بداند که این ملت، ملتی بزرگ و قدرتمند و با ایمان و شکست ناپذیر است. مادامی که در میان خود، اتحاد کلمه و توکل به خدا را حفظ کنید، دنیا نمی تواند بر شما فائق و پیروز شود.

پروردگارا! رحمت و فضل و لطف بی پایان خود را مثل باران فرو ریزنده، بر این ملت نازل کن. پروردگارا! امام بزرگوار - که این راه را به ما نشان داد - در اعلی درجات علّیین، با اولیای محشور کن. پروردگارا! درجات شهدای عزیز ما را که با خون خود، این راه را باز کردند و این جاده را کوبیدند، روز به روز عالیتر کن. پروردگارا! جانبازان و ایثارگران و آزادگان و رزمندگان و نیروهای مؤمن و حزب اللهی و بسیجی را که کمر بسته این راه هستند، مشمول هدایت و فضل و لطف خود قرار بده. هر کس برای این ملت کار و تلاش می کند، لطف و رحمت خود را بر او نازل کن.



پروردگارا! قلب مقدّس ولي عصر را از ما راضي و خشنود فرما. ما را در حضور و غيبتش، جزو سربازان آن بزرگوار قرار بده. پروردگارا! دوستي دوستان خدا و دشمني دشمنان او را در دلهاي ما بيشتر کن. همه دستهايي را که براي اين ملت کار و تلاش مي کنند، محکم و مستحکم و مشمول برکات خود قرار بده. پروردگارا! آنچه که گفتيم و شنيديم، براي خودت و در راهت قرار بده و آن را از ما قبول فرما.
والسّلام عليكم و رحمة الله و بركاته